



این سریال، ماجرای است که اتفاقا این روزها بیش از گذشته دیده می شود  
اگر می خواهید پشت پرده برخی کشمکش های این روزهای کشورمان را  
بهتر درک کنید، پیشنهاد می شود سریال کیف انگلیسی را ببینید  
و اگر قبلا دیده اید، بار دیگر تماشاکنی

## «کیف انگلیسی» هنوز هم تکرار می شود!



آرش فهیم  
سر دبیر قاصدیک

«کیف انگلیسی» یکی از بهترین و مهم ترین سریال های ایرانی درباره تاریخ معاصر است. سریالی که با وجود پرداختن به گذشته اما ترسیم کننده آینده است و هر چه از تولید و پخش آن می گذرد اما تازگی و تأویل پذیری اش هم بیشتر می شود. این سریال به کارگردانی مرحوم ضیاءالدین دری بار اول سال ۱۳۷۸ از تلویزیون پخش شد. سریالی که در همان زمان، هم به دلیل ساختار و روایت سنجیده و تأثیرگذارش و هم پرده برداری از برخی مسائل و ناگفته های زمانه درون داستانش، تحسین های بسیاری را برانگیخت. تحسین ها برای کیف انگلیسی و کارگردانش، به جا بود؛ چون این سریال با گذشت ۲۳ سال از زمان تولیدش، هنوز هم مانند آینه ای است در برابر وقایع روز. سریالی که در این سال ها بارها بازپخش شده و هر بار نیز جذاب و مماس با شرایط روز جامعه بوده است.

آنچه در کیف انگلیسی است، مهم ترین ویژگی قابل انتظار از یک اثر هنری با موضوع تاریخ است؛ یک فیلم، مجموعه تلویزیونی، رمان و نمایشنامه تاریخی باید در قالب روایت ماجراهای گذشته، به مسائل مبتلا به حال و آینده بپردازد. این سریال هم دقیقاً همین رویکرد را دارد؛ مثل بازنمایی نفوذ و پیچیدگی و چگونگی رخ داد آن در حوزه قلم و سیاست که در این سریال به بهترین شکل ممکن ترسیم شده است. همچنین ماجرای تبدیل شدن تدریجی برخی روشنفکران، هنرمندان، قلم به دستان و اهالی سیاست به عمله های دولت های بیگانه که یکی از کهن معضلات جامعه ایرانی در ۱۵۰ سال اخیر بوده است و هنوز هم تکرار می شود!

ضمن این که سریال کیف انگلیسی به بازنمایی نزدیک به واقع یکی از پرحادثه ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران یعنی دهه ۱۳۲۰ پرداخته است و این پرداخت، تبدیل به تاریخ نگاری نمی شود و در بستر روایت داستان و درام پیش می رود. اما محور اصلی این سریال، افشای باطن غربزدگی و وابستگی در حوزه عمل است؛ فرآیند هویت زدایی و استحاله نخبگان حوزه علوم انسانی در این سریال، ماجرای است که اتفاقاً این روزها بیش از گذشته دیده می شود. اگر می خواهید پشت پرده برخی کشمکش های این روزهای

کشورمان را بهتر درک کنید، پیشنهاد می شود سریال کیف انگلیسی را ببینید و اگر قبلا دیده اید، بار دیگر تماشا کنید. در این سریال می بینیم انگلیس و بعدها آمریکا به عنوان قدرت های استعماری، چگونه بدون شلیک گلوله و از راه مسخ روح و اندیشه برخی نخبگان و سیاستمداران، ملت ها را تحت سلطه و اشغال خود در می آورند.

آنچه به سلطه و غارتگری آنها کمک می کند، وابستگی خواص، نخبگان و غفلت مردم است. تازگی و جسارت سریال کیف انگلیسی در این است که برای اولین بار در یک اثر هنری، از دلالتان عرصه سیاست و قدرت رونمایی کرد. هر چند امروز، میانجی گری سفارتخانه ها برای شکار روشنفکر و روزنامه نگار و هنرمند از داخل کشور به یک امر شناخته شده برای افکار عمومی تبدیل شده است اما این سریال بیش از دو دهه قبل به این جریان توجه کرد؛ معرفی روشنفکران و روزنامه نگاران اجاره ای و سفارتی توسط این سریال در آن زمان، تازگی داشت و موجب شگفتی شد.

البته اگر با نگاه سختگیرانه و انتقادی بخواهیم مجموعه تلویزیونی کیف انگلیسی را بررسی کنیم، نقطه ضعف این سریال، نگاه پیچیده و پر رمز و راز آن به موضوع سیاست و در مقابل، نگاه ساده انگارانه نسبت به مفهوم خدمت و خیانت روشنفکران است؛ یعنی فرایند تبدیل شدن یک فرد آگاه و قائل به دین و منافع ملی به سیاست بازی که آلت دست بیگانگان می شود، عمق لازم را نیافته است. این در حالی است که شخصیت محوری این سریال، یعنی منصور ادیبان (علی مصفا)، نمونه ای از جریانی است که طی ۱۵۰ سال اخیر در عرصه سیاست و فرهنگ، فعال بوده است. این که یک شخصیت فرهنگی و ادبی و روزنامه نگار مانند منصور ادیبان، ابتدا به فرهنگ و مردم سرزمین خودش متعهد و وفادار است و ناگهان به شخصی خودفروخته تبدیل می شود، یکی از زیربنایی ترین مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در این سال ها بوده که باید درباره آن با وسواس و ظرافت بیشتری کار می شد.

### «نقطه سر خط»

## و درخشش کارگردانی سعید آقاخانی



حمید لولایی، علی صادقی و مرجانه گلچین در سریالی قرار بگیرند حتما اتفاقات خوب و شادی بخشی در راه است. این اتفاق چند سال قبل در شبکه سه و سریالی به نام «نقطه سر خط» افتاد. آن قدر سریال دیالوگ های کمدی و اتفاقات طنزآمیز جالبی داشت که بدون نگاه به تیتراژ می توان حدس زد کارگردان این سریال، سعید آقاخانی است.

آقاخانی یکی از بهترین نویسندگان طنز و کارگردانان امروز است که از خودش کارهای بسیاری به جای گذاشته که این روزها «نون خ» بیشتر از همه مطرح می شود.

قصه سریال نقطه سر خط، روایتگر زندگی صمد قیصری، کارمند یکی از ادارات است که همراه همسر و دو دختر و یک پسر که همگی دانشجوی و در سن ازدواجند، در خانه ای استیجاری زندگی می کنند. کانون خانواده صمد، بسیار گرم و با محبت است.

صمد چند سال در خانه سیروس، صاحبخانه اش مستأجر است. به همین علت میان خانواده آنها رابطه ای صمیمی برقرار است اما با بروز ماجراهایی این دو خانواده به اختلاف می رسند. موقعیت کمیک

داستان بین دو فضای خانوادگی و فامیلی و فضای اداری و در دسرهای کارمندی تقسیم می شود که اتفاقاً نسبت به کارهای قبلی آقاخانی، لحن انتقادی تری به خود گرفته و از طنز خانوادگی به سوی کمدی اجتماعی گرایش پیدا کرده است.

ضمن این که تعلیق و گره های اصلی داستان که به مشکلات مالی صمد می پردازد، بهانه و زمینه خوبی است تا کارگردان یک نوع آسیب شناسی طنزانه را درباره مسائل روز اجتماعی به تصویر بکشد. ساختار طنز برای بیان دردهای تلخ، آن را دلپذیر و شیرین کرده است.

نقطه سر خط را می توان ترکیب و محصولی از همه تجربیات سعید آقاخانی در سریال سازی های تلویزیونی دانست که اتفاقاً به پختگی بیشتری، هم در فضا سازی و شخصیت پردازی و هم در روایت و حفظ ریتم قصه رسید و می توان درخشش او را در کارگردانی به معنای واقعی به نظاره نشست. سریال ۳۰ قسمتی که ایرج محمدی و مهران مهمان به عنوان تهیه کننده در کنار سعید آقاخانی بودند. نقش صمد کارمند ساده داستان، حمید لولایی است.

به وضعیت اقتصادی جامعه و انتخاب درست بازیگران بود که با استقبال بالای مخاطبان مواجه شد. حتی این روزها که این سریال دوباره برای چندمین بار روی آنتن می رود بازهم مخاطبان از آن استقبال ویژه دارند. حمید لولایی، علی صادقی، مرجانه گلچین، مریم سعادت، غلامرضا نیکخواه آزاد، افسانه ناصری، اشکان اشتیاق، مونا بیگی، بهشاد شریفیان، اکبر وارث، کریم قربانی، مهدیه تقی پور، فرزند حاتمیان، اصغر حیدری و ... بازیگران این سریال تلویزیونی هستند.

او با همسرش گندم (مریم سعادت) و پسر و دخترش زندگی ساده ای دارند اما به دلیل مشکلات مالی نیاز به وام پیدا می کنند. او همزمان بازنشسته می شود و مجبور است این مشکل را هم حل کند. از طرف دیگر صاحبخانه شان به نام سیروس با بازی غلامرضا نیکخواه آزاد با همسر و فرزندش که همیشه رابطه خوبی با خانواده صمد دارند، به دلایلی رابطه شان با آنها به هم می خورد و اتفاق های جدیدی پیش می آید. یکی از نکات متمایز در این سریال فارغ از موقعیت پردازی های خوب طنز، نگاه انتقادی